



الگوی کنشی اعضای سازمان همکاری شانگهای در نظم آمریکایی در حال گذار و انتقال قدرت رضا افتخاری؛ سید امیر نیاکویی؛ جمال محمدی^۳

۲۹

چکیده

این مقاله به بررسی نقش اعضای سازمان همکاری شانگهای به عنوان الگوهای نقش بالقوه در گذار و انتقال قدرت نظم آمریکایی می‌پردازد. سازمان همکاری شانگهای متشکل از چین، روسیه، هند، پاکستان و چندین کشور آسیای مرکزی به عنوان بازیگر مهمی در عرصه ژئوپلیتیک جهانی ظاهر شده است. از آنجایی که موازنه بین‌المللی قدرت در حال تغییر است و ایالات متحده در حفظ نفوذ هژمونیک خود با چالش‌هایی مواجه است، بررسی مدل‌های جایگزین برای انتقال قدرت بسیار مهم می‌شود. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی پتانسیل سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک قدرت هنجاری که بر نظم آمریکایی از طریق ابتکارات فرهنگی و اجتماعی آن تأثیر می‌گذارد، می‌پردازد. این مقاله همچنین بررسی می‌کند که چگونه پویایی داخلی این کشورها بر رفتار خارجی آنها و دلایل حضور آنها در این سازمان مهم منطقه‌ای موثر است و نقش این سازمان را بر پیامدهای بالقوه انتقال قدرت، را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: الگوی کنشی، سازمان همکاری شانگهای، نظم آمریکایی، گذار قدرت، چین، روسیه.

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۲۹

تابستان ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۱۹

صص: ۲۸۲-۲۵۷

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



Q4

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در سیستم‌های بین‌المللی بازیگران که دولت‌ها هستند وارد روابط اجتماعی با همدیگر می‌شوند و با ایجاد ساختارهای اجتماعی در مسیر سامان دادن به مجموعه‌ای از منافع اقتصادی، سیاسی و یا دیگر منافع به نفع خودشان گام بر می‌دارند بر اساس قدرت نسبی بازیگران ترتیبات اجتماعی و نسخ و قواعد چیده شده و به قانون‌ها بین‌المللی تبدیل می‌گردند. گرچه سیستم‌های اجتماعی محدودیت‌هایی بر رفتار همه بازیگران تحمیل می‌کنند، اما رفتارهای که توسط سیستم مجازات شده یا پاداش داده می‌شود دست‌کم در مراحل آغازین با منافع قدرتمندترین اعضای سیستم اجتماعی تطابق دارد. در طول زمان، منافع بازیگران «دولت‌ها» و توازن قوا در میان بازیگران در نتیجه تحولات فناورانه، اقتصادی و دیگر تحولات تغییر می‌کند. به‌عنوان پیامد آن، بازیگرانی که بیشترین منافعشان در تغییر سیستم بین‌الملل است و بازیگری که قدرت تأثیرگذاری بر این تغییر را کسب می‌کند، ممکن است درصدد تغییر سیستم به طریقی برآید که به بهترین نحو منافعش را تأمین کند؛ در نتیجه سیستم از هر نوعی سیستم تغییر یافته منعکس‌کننده توزیع جدید قدرت و منافع عضو تازه مسلط شده («ظهور قدرت‌های جدید» مثل چین، روسیه، هند و ... اعضای شانگهای) خواهد بود. بر این اساس پیش‌شرط تغییر سیاسی در عدم تطابق میان سیستم بین‌الملل موجود و توزیع قدرت به نفع بازیگران است که منافع بیشترشان در تغییر سیستم است. چنین تصویری از تغییر سیاسی بر این ایده مبتنی است که هدف یا کارکرد هر سامانه‌ای اجتماعی (نظام بین‌الملل) را می‌توان در منافی دانست که از عملکرد آن سیستم برای اعضای مختلف ایجاد می‌کند (گیلین، ۱۹۳۰: ۲۹).

در حول همین موضوع تا کنون پژوهش‌های نیز انجام شده که برای بررسی آنها می‌توانیم آنها را به دو دسته تقسیم کنیم. در دسته اول آن بخش از پژوهش‌هایی بودند که به موضوع گذار در سیستم بین‌الملل از نظم سابق خود به سمت نظم جدید صحبت به عمل آورده‌اند و این گذار را از سمت آمریکا به سمت چین دانسته‌اند و از نقطه نظر تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل این الگوی کنشی را مورد تحلیل قرار داده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹؛ ساهای و کارلوس، ۱۳۸۰؛ قاسمی، ۱۳۹۱؛ موثقی، ۱۳۹۶؛ قاسمی، ۱۳۹۷؛ علی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ عبدالهی، ۱۳۹۷؛ طباطبایی و بهرامی، ۱۳۹۷؛ بازگرد و همکاران، ۱۳۹۸؛ Ba, 2020؛ Feng and He, 2020؛ Kern at el., 2020؛ Wilson, 2020؛ Liu, He, 2023؛ Newell, 2021؛ Belic and Miklosi, 2023). دسته

دوم پژوهش‌هایی می‌باشند که سازمان همکاریهای شانگهای را با توجه به نحوه ساز و کار و دلایل تشکیل آن و همچنین نوع نگاه و عملکرد اعضای آن در مورد سازمان و وضعیت سیستم بین‌الملل مورد بحث قرار داده‌اند (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷؛ بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹؛ کوزه‌گر، ۱۳۹۰؛ مهکویی و باویر، ۱۳۹۳؛ کردی کلاک و همکاران، ۱۴۰۰؛ رئیسی‌نژاد و برنجی، ۱۴۰۱؛ ارغوانی و علی‌پور، ۱۴۰۱؛ مفتخری و همکاران، ۱۴۰۲؛ Atai and zangeneh, 2020؛ Kulintsev, 2020؛ Agostinis and urdeniz, 2022؛ Chao, 2022؛ li at el., 2022).

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته که در این بخش به آنها اشاره شده است باید چنین گفت که الگوی کنشی کشورها در سیستم بین‌الملل به صورتی است که بسته به منافع و نیازهای خود، سیاست‌های مختلفی را اتخاذ می‌کنند. در این سیستم، کشورها با یکدیگر در تعامل هستند و به دنبال تحقق هدف‌های خود در زمینه‌های مختلف مانند امنیت، تجارت، محیط زیست و حقوق بشر هستند. الگوی کنشی کشورها در سیستم بین‌الملل می‌تواند متنوع باشد. برخی کشورها می‌توانند به عنوان قدرت‌های بزرگی شناخته شوند که توانایی اعمال تحولات گسترده‌تری در سیستم بین‌الملل را دارا هستند. این کشورها معمولاً در سیاست خارجی خود به تحقق منافع ملی تمرکز می‌کنند و توانایی تأثیرگذاری فعال در تصمیمات سیاسی بین‌المللی دارند. به طور کلی، الگوی کنشی کشورها در سیستم بین‌الملل بسته به منافع، قدرت و اهداف خود، متنوع است و کشورها اقدامات مختلفی را در راستای تحقق منافع ملی خود انجام می‌دهند.

از اینرو سازمان همکاری شانگهای یک سازمان امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای مهم در آسیا است که از هشت کشور عضو شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان تشکیل شده است. از آنجایی که نظم آمریکا در حال گذار و انتقال قدرت است، کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای اقدامات مختلفی را برای اعمال نفوذ و حفاظت از منافع خود انجام داده‌اند (بازگرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷۵).

با مواردی که در بالا درباره گذار قدرت در سیستم بین‌المللی و نقش سازمان همکاری‌های شانگهای گفته شد؛ در این پژوهش تلاش داریم با رویکرد توصیفی-تحلیلی و داده‌کاوی از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های که تا بدین روز در حول موضوع مورد نظر گرفته است، و با در نظر گرفتن علم اقتصاد و نظریه گذار قدرت به عنوان رویکرد نظری، به موضوع الگوی کنش اعضای سازمان

شانگهای در نظم آمریکایی در حال گذار و انتقال قدرت پردازیم که این مسئله نقطه‌ی تمایز این پژوهش با سایر تحقیقاتی است که در این حوزه صورت گرفته است. در انتها نیز به دنبال پاسخ این سوال مهم هستیم که کدام انگیزه‌ها و اهداف، شکل‌دهنده تعامل میان کشورها در جهان و سازمان همکاری شانگهای بوده است و الگوی کنشی آنان چیست؟

۱- چارچوب نظری

۱-۱ نظریه گذار قدرت

نظریه گذار قدرت که به عنوان نظریه پویایی قدرت نیز شناخته می‌شود، به مطالعه چگونگی انتقال یا مبادله قدرت در یک زمینه اجتماعی اشاره دارد. این نظریه به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که از طریق آن قدرت در یک گروه یا جامعه به دست می‌آید، توزیع می‌شود و حفظ می‌شود. بر اساس تئوری انتقال قدرت، قدرت ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا است که عوامل و مکانیسم‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. اینها شامل توانایی تأثیرگذاری بر دیگران، کنترل منابع و تصمیم‌گیری‌هایی است که بر زندگی افراد یا گروه‌ها تأثیر می‌گذارد (سهای و کارلوس، ۱۳۸۰: ۲۷).

مفاهیم کلیدی در تئوری انتقال قدرت شامل روابط قدرت، ساختارهای قدرت و جنگ قدرت است. روابط قدرت به روابط سلسله‌مراتبی اطلاق می‌شود که در یک سیستم اجتماعی وجود دارد، جایی که افراد یا گروه‌ها سطوح مختلف قدرت و اختیار دارند. ساختارهای قدرت شامل سیستم‌های رسمی و غیررسمی است که قدرت را در یک جامعه تنظیم می‌کند، مانند قوانین، نهادها و هنجارهای اجتماعی. از سوی دیگر، مبارزات قدرت به درگیری یا رقابت بر سر قدرت بین افراد یا گروه‌های مختلف اشاره دارد. نظریه انتقال قدرت همچنین منابع قدرت را بررسی می‌کند که می‌تواند بر اساس عوامل مختلفی مانند ثروت، موقعیت اجتماعی، تخصص یا کاریزما باشد. همچنین پیامدهای قدرت، از جمله تأثیر بر رفتار، روابط و رفاه افراد را بررسی می‌کند. به طور کلی، تئوری انتقال قدرت بینش‌هایی را در مورد پویایی پیچیده قدرت ارائه می‌دهد و چگونگی کسب، حفظ و به چالش کشیدن قدرت در سیستم‌های اجتماعی را روشن می‌کند. با درک این پویایی‌ها، محققان، سیاست‌گذاران و افراد می‌توانند پویایی قدرت را به طور مؤثرتری تحلیل و هدایت کنند (Feng and He, 2020).

بنابراین عصر حاضر در روابط بین‌الملل عصر انتقالی و گذار است، بدین معنی که در نظام بین‌الملل، مقطع جنگ سرد به پایان رسیده و دوره جدیدی از نظم جهانی آغاز شده است. با عنایت به تحولات در عرصه تعامل جهانی و تغییرات در ماهیت قدرت و تنوع بازیگران، رقابت‌ها در این عصر در اشکال مختلف انجام می‌شود. از نظر نئولیبرالیسم، نظام بین‌الملل و اقتصاد سیاسی مشخص که حاصل تعامل مجموعه از کشورهای و مجموعه‌ای از بازیگران بین‌المللی، اعم از دولتی و غیردولتی است که در یک اقتصاد جهانی و به هم پیوسته با یکدیگر در تعامل و همکاری به سر برده و دارای وابستگی‌های درونی و محیطی پیچیده‌ای با یکدیگر هستند که دستاوردهای مشترکی را برای آن‌ها به همراه دارد. در همین حال، به باور بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی، به‌ویژه در جناح نئولیبرال، پس از عصر دوقطبی، جنگ سرد وارد دوره‌ای از گذار شده که در آن از یک سو بازیگران و کنشگران مختلف به دنبال تأثیرگذاری بر شکل‌گیری نظم جدید بر اساس منافع و جایگاه خود می‌باشند و از سوی دیگر، قدرت‌های که در مسیر جهانی‌سازی حرکت می‌کنند، به‌ویژه در عرصه اقتصادی در حال شکل دادن به نظم اقتصادی آینده جهان اند (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷: ۳۱۱).

۱-۱- استراتژی‌های هژمون در حال زوال جهت تثبیت قدرت هژمونیک خود

قدرت مسلط همواره از مسیرهای مختلف در صدد تثبیت و احیا و بازآفرینی و ماندگاری قدرت خود است به این منظور سعی می‌کند با افزایش منابع (افزودن بر مالیات‌های داخلی - خراج از دیگر دولت‌ها) بتواند تعهدات و جایگاهش را در نظام بین‌الملل حفظ و بازآفرینی نماید یا کوشش می‌کند که تعهدات جاری‌اش را به شکلی که جایگاهش را در بین‌الملل به خطر نیندازد کاهش دهد. دومین شیوه هژمون جهت تثبیت خود و دوری از زوال یا افول کاهش هزینه‌ها و متوازن‌سازی هزینه‌ها و منابع از طریق برطرف کردن عوامل افزایش هزینه‌ها (نابود کردن چالش گر نوظهور- جنگ) یا بسط پارامترهای دفاعی مطمئن‌تر و کم‌هزینه‌تر مثل «لیزر» و کاهش تعهدات بین‌المللی پیگیری و موقعیت خود را تثبیت نماید (گیلین، ۱۹۳۰: ۲۱۴-۲۱۰).

در این بستر نظم در حال انتقال آمریکا و انتقال قدرت می‌تواند اعضای سازمان همکاری شانگهای را برای ایجاد نظم منطقه‌ای که منافع و اولویت‌های آنها را منعکس می‌کند انگیزه دهد. اعضای سازمان همکاری شانگهای ممکن است در ابتکاراتی برای تقویت یکپارچگی اقتصادی، همکاری امنیتی و مکانیسم‌های حاکمیتی در سازمان مشارکت کنند. این می‌تواند بستری را برای آنها فراهم کند تا به

طور جمعی عمل کنند و تأثیر خود را بر امور منطقه نشان دهند و نظم موجود تحت رهبری آمریکا را به چالش بکشند (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

۲-۱ اقتصاد سیاسی پلی میان حوزه‌های سیاست و اقتصاد

اقتصاد سیاسی بین‌الملل به‌عنوان رشته‌ای پژوهشی که بین حوزه‌های سیاست و اقتصاد پلی می‌زند به تعامل بین دولت و بازار می‌پردازد. دولت ساحل قدرت را در اختیار داشته، و بازار ساحل دیگر یعنی ثروت را خلع و در اختیار دارد. در عین حال، دولت دغدغه‌هایی درباره انباشت ثروت داشته و بازار نیز نگرانی‌هایی در خصوص قدرت و تصمیماتی که مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار باشد دارند. در بخش سیاسی اقتصاد سیاسی بین‌الملل و به‌عنوان عنصر سیاسی آن، دولت یک حکومت، قلمرو واحد با حیات حاکم واحد و مردم محسوب می‌شود. در بخش اقتصادی هم، بازار نوعی ساز کار هماهنگ‌کننده‌ای است که در آن، فروشندگان و خریداران، کالاها و خدمات را باقیمت‌ها و سطوح تولید تعیین شده از سوی عرضه و تقاضا، با یکدیگر مبادله می‌کنند (کوهن، ۱۳۹۷: ۲۰-۳۰).

چالش افتادن در مطالعات میان‌رشته‌ای وقتی بیش‌ازپیش نمود پیدا می‌کند که اقتصاد سیاسی در عرصه‌ای بین‌المللی بررسی می‌شود. چگونه می‌توان نظریه‌ای را در اقتصاد سیاسی بین‌الملل ارائه کرد ضمن این که به بررسی تأثیرات بین‌المللی، تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و توسعه‌ای در میان دولت‌های ملی را هم به حساب آورد؟ علاوه بر این، محققان اقتصاد سیاسی بین‌الملل در مقایسه با محققان مسائل امنیتی، تمرکز بر روابط بین‌المللی - ملی را بسیار مهم‌تر می‌دانند. محققین اقتصاد سیاسی بین‌الملل وظیفه دارند بر روابط بین‌الملل و داخلی تمرکز کرده و مرزهای بین‌تعدادی از رشته‌های علوم انسانی را از میان بردارند (کوهن، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۳).

۲-۱-۱ علم اقتصاد و رهیافت الگوی همکاری سازمان شانگهای

علم اقتصاد به مطالعه رفتار انسانی در زمینه تولید، توزیع و مصرف منابع اقتصادی می‌پردازد. در این راستا، رهیافت الگوی همکاری سازمان شانگهای یکی از روش‌های مورد استفاده در تحلیل مسائل اقتصادی است. سازمان شانگهای به نام شهر شانگهای در چین، که یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای چین است، اشاره دارد. شهر شانگهای در تاریخ به عنوان یک مرکز تجارت و توسعه اقتصادی مهم شناخته شده است و الگوی همکاری سازمانی آن نقطه عطفی در تحلیل روابط اقتصادی است. الگوی همکاری سازمان

شانگهای مبتنی بر این اصل است که برای توسعه اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی، همکاری و هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف مورد نیاز است. این الگو بر ارتباطات موثر و تعامل بین سازمان‌ها تأکید دارد و باعث می‌شود منابع اقتصادی به بهینه‌ترین شکل ممکن استفاده شوند و عملکرد اقتصادی بهبود یابد. با توجه به این الگو، دولت‌ها و سازمان‌های مختلف می‌توانند برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به گونه‌ای طراحی کنند که همکاری و تعامل بین سازمان‌ها ترویج شود و رونق اقتصادی به دست آید. همچنین، توسعه بخش خصوصی نیز در این رهیافت مورد توجه قرار می‌گیرد و تشویق به سرمایه‌گذاری و تولید در بخش خصوصی در نظر گرفته می‌شود (Wilson, 2020).

ورود به اتحادها و ائتلاف‌هایی چون سازمان همکاری شانگهای یکی از تعاملات مهم دولت‌ها در مسیر تقویت بازار دارائی و کسب‌وکار با استفاده از مشارکت و پتانسیل‌های کشورهای دیگر است. این مشارکت‌ها می‌تواند جایگاه کشورها را ارتقاء و نقش مشارکتی و کارکرد سازنده در حل مشکلات مسیر رسیدن به سود بیشتر را محیا و تسهیل نماید. با توجه به اهمیت روزافزون متغیرهای جهانی در سطح کلان بر توسعه کشورها در طول سده اخیر و به‌خصوص در دوره موسوم به جهانی شدن در ادبیات سیاسی و اقتصادی پس از جنگ سرد، به نظر می‌رسد نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل رویکرد علمی و دانشگاهی مناسب و جامعی است که می‌تواند با استفاده از رهیافت‌ها و رویکردهای گوناگون و متنوع نظری خود، تحولات سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی -از جمله سیر تحولات در الگوهای متنوع توسعه سیاسی و اقتصادی در واحدهای سیاسی مختلف را به‌خوبی تحلیل نماید (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

۲- الگوی کنشی کشورها در سیستم نظم بین‌المللی

الگوی کنش در روابط بین‌الملل یک چارچوب نظری است که به توضیح و تحلیل علل و پیامدهای رفتارهای کشورها در سیاست خارجی می‌پردازد. این الگو بر اساس فرضیه اصلی تعارض منافع بین کشورها وجود دارد و این تعارض منافع باعث ایجاد رفتارهای مختلفی در کشورها می‌شود. الگوی کنشی مبتنی بر این فرض است که روابط بین‌الملل توسط بازیگرانی مشخص می‌شود که منافع خود را اغلب از طریق رقابت و تعارض دنبال می‌کنند. بر عقلانیت بازیگران و رفتار هدفمند آنها در دنیایی با منابع و قدرت محدود تأکید دارد. این چارچوب فرض می‌کند که دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی استراتژیک هستند و بر اساس تحلیل هزینه و فایده تصمیم می‌گیرند. مدل کنش نیز به

شدت از نظریه‌های واقع‌گرایی نشأت می‌گیرد، که استدلال می‌کنند که دولت‌ها اساساً توسط منفعت شخصی و به دنبال قدرت هدایت می‌شوند. متفکران واقع‌گرا روابط بین‌الملل را به‌عنوان یک سیستم ذاتاً آنارشیک می‌بینند که در آن فقدان یک اقتدار مرکزی به ذهنیت «خودیاری» و مبارزه دائمی برای بقا و تسلط منجر می‌شود. مدل اقدام بر اساس این مفروضات واقع‌گرایانه است تا نحوه عملکرد و واکنش دولت‌ها به یکدیگر را در عرصه بین‌المللی تحلیل کند (Newell, 2021).

چارچوب نظری مدل کنش نیز نقش نهادها، هنجارها و بازیگران غیردولتی را در شکل دادن به تعاملات بین‌المللی تصدیق می‌کند و به رسمیت می‌شناسد که دولت‌ها به‌صورت مجزا عمل نمی‌کنند؛ بلکه تحت تأثیر سازمان‌های بین‌المللی، معاهدات و هنجارهای اجتماعی رایج هستند. بر این اساس، این چارچوب عواملی فراتر از قدرت دولتی و منافع ملی، مانند قوانین بین‌الملل، حقوق بشر، و مکانیسم‌های حکمرانی جهانی را در نظر می‌گیرد. این الگو به وجود دو بعد مهم در روابط بین‌الملل تأکید می‌کند. اولین بعد تفاوت قدرت و توانایی کشورهاست. برخی کشورها به لحاظ نیروی نظامی، منابع طبیعی، تکنولوژی و قدرت اقتصادی، قوی‌تر از سایر کشورها هستند و این تفاوت قدرت باعث تعامل‌هایی مثل تسلط، همکاری یا توازن قدرت بین این کشورها می‌شود. دومین بعد در الگوی کنش در روابط بین‌الملل تفاوت هدف‌ها و علاقه‌های کشورها است. هر کشور بر اساس منافع ملی خود رفتار می‌کند و تلاش می‌کند تا منافع خود را حفظ کند و هر کشور دارای اولویت‌های متفاوتی است. بعضی از علاقه‌ها و هدف‌ها برای کشورها به شکل مشترک هستند ولی برخی دیگر از علاقه‌ها و هدف‌ها متناقض هستند. الگوی کنش در روابط بین‌الملل دربرگیرنده چهار الگوی اصلی رفتار است: تسلط، همکاری، توازن قدرت و تعارض. این الگوها در نتیجه تفاوت قدرت و تعارض منافع بین کشورها به وجود می‌آیند و اثرات آنها می‌تواند منجر به تغییرهای در سیاست خارجی کشورها شود (Liu and He, 2023).

در مجموع، چارچوب نظری مدل کنش در روابط بین‌الملل لنزی را فراهم می‌کند که از طریق آن محققان و محققان می‌توانند انگیزه‌ها، استراتژی‌ها و تعاملات بازیگران در نظام سیاسی جهانی را تحلیل و درک کنند و به روشن کردن پویایی پیچیده روابط بین‌الملل کمک کنند.

۱-۲ الگوی کنشی چین در سازمان همکاری‌های شانگهای

سیاست خارجی چین از اصول و آرمان‌های کمونیستی و کنفوسیوسی تبعیت می‌کند و در تطابق با نیازهای داخلی و تحول‌های بین‌المللی منافع ملی خود را تعریف می‌کنند. نقش رهبران و شخصیت‌های سیاسی در تدوین و اجرای سیاست خارجی بعد از انقلاب یکسان نبوده است. پس از یک و نیم قرن شکست و ناکامی در مقابل غرب، مائو توانست کشاورزان چینی را متحد کند و با انقلاب کمونیستی اقتدار ملی ازدست‌رفته در مقابل غرب را دوباره احیا کند. پس از او دنگ شیائو پینگ که شاهد عقب‌ماندگی اقتصادی چین بود تصمیم به پیروی از اصول اقتصاد آزاد گرفت، راه را برای ورود شرکت‌های چندملیتی به چین هموار ساخت و زمینه ایجاد و رشد بخش خصوصی و اقتصاد بازار را فراهم کرد (فاخری، ۱۴۰۰: ۲۴۵). سیاست تعامل و موفقیت‌های اقتصادی پینگ سبب شد با بازپس‌گیری هنگ‌کنگ از انگلیس و ماکائو از پرتغال شرمساری چین در از دست‌داده بخشی از قلمرو اراضی‌اش در قرن نوزدهم را جبران کند. شیء جین پینگ نیز چهره جدیدی از چین به جهان عرضه کرد و ضمن کنار گذاشتن دیپلماسی ساکت، رهبری سیاسی جهانی آمریکا را به چالش طلبید و روابط خود با روسیه، هند و دیگر کشورهای درحال توسعه را گسترش داد. برنامه «یک کمربند و یک راه» مازاد ظرفیت تولیدی چین برای سرمایه‌گذاری در بخش زیربنایی کشور را ارائه و بانک توسعه سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیایی هم به نیازهای مالی آن‌ها پاسخ داد و در توسعه این طرح مشارکت نمود. منافع سیاسی و امنیتی منطقه‌ای چین در دو سازمان سیکا و شانگهای پیگیری می‌شوند. بنابراین چین در پی ایفای نقش سیاسی هم‌تراز اهمیت اقتصادی خود است و می‌خواهد با مشارکت در مدیریت روند جهانی شدن، زمینه را برای پذیرفته‌شده به‌عنوان یک ابرقدرت در نظام بین‌الملل مهیا کند. (فاخری، ۱۴۰۰: ۲۵۶).

۱-۳ نگاه سیاست خارجه چین به سازمان همکاری شانگهای

ملاحظات اصلی چین در مورد ایجاد و توسعه سازمان همکاری شانگهای و اولویت‌های منطقه‌ای موارد زیر را در برمی‌گیرد: اول آن‌که این سازمان بخشی از سیاست حاشیه‌ای بزرگ‌تر چین است که بر روابط حسنه با کشورهای همسایه تأکید دارد. دولت چین متوجه است که اگر بخواهد بر توسعه اقتصادی

در داخل تمرکز کند باید محیطی امن در اطراف خود داشته باشد. دوم آن‌که، آسیای مرکزی از نظر جغرافیایی به‌طور مستقیم با افغانستان در ارتباط است که بیش از ۲۵ سال متحمل جنگ بوده و منبع اصلی مواد مخدر و تروریسم است. تروریست‌های بین‌المللی آسیای مرکزی مستقیماً از جدایی‌طلبانی حمایت می‌کنند که بر تجزیه منطقه خودمختار ایگور سین کیانگ از چین تأکید دارند. سوم آن‌که، با توسعه اقتصادی سریع چین، نیاز آن به انرژی در سالهای اخیر افزایش زیادی داشته است. آسیای مرکزی منطقه‌ای نسبتاً غنی از نفت و گاز طبیعی است که می‌تواند تأمین‌کننده اصلی انرژی برای چین باشد. چین از طریق همکاری در زمینه انرژی با کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند راهبرد تنوع بخشیدن به منابع واردات انرژی خود و عدم وابستگی صرف به خاورمیانه را تحقق بخشد (یانگ و سایرین، ۱۳۸۶: ۸۵). در سطح منطقه‌ای، علاوه بر همسایگان چین، تشکل‌های منطقه‌ای از عوامل تعیین‌کننده و اثرگذار بر سیاست امنیتی و دفاعی این کشور می‌باشند (بلوچی، ۱۳۸۶: ۵۷).

۲-۱-۲ انگیزه‌های چین در توجه به آسیای میانه و سازمان همکاری شانگهای

چین برای حضور و نقش آفرینی هر چه بیشتر در سازمان همکاری‌های شانگهای رفتارهای زیر را دنبال می‌کند که این اهداف عبارتند از:

- تأمین ثبات در همسایگی غربی و مناطق غربی خود؛
- هماهنگ‌سازی و ایجاد موازنه میان منافع راهبردی خود و همسایگان؛
- مقابله با تهدیدات فراملی مشترک مانند تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی؛
- توسعه اقتصادی مناطق مختلف در جهت تأمین ثبات آن‌ها؛
- اجتناب و حل‌وفصل مناقشات در طول ۳۰۰۰ کیلومتر مجاری مرزی دسترسی به منابع بازارهای انرژی (سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها به‌منظور رسیدن به این هدف)؛
- محدود کردن نفوذ بازیگران بیرونی در قالب حضور فیزیکی در اطراف مرزهای غربی خود (مانند پایگاه‌های آمریکایی) و نیز هنجاری (تقویت دیدگاه خود در عرصه روابط بین‌الملل بر مبنای اصول احترام به حق حاکمیت سایر کشورها و عدم مداخله در امور داخلی آن‌ها). (مادوز، ۱۳۹۷: ۱۸)

۲-۳ الگوی کنشی هند در سازمان همکاری‌های شانگهای

راهبرد کلان هند، جهان را به سه دایره متحد‌المركز تقسیم می‌کند. اولین دایره همسایگان نزدیک هند را در برمی‌گیرد که هدف هند، به دست آوردن موقعیت هژمونی در این حوزه و مقابله با حضور

سایر قدرت‌ها در آن تشکیل می‌دهد. دایره دوم، محیط منطقه‌ای است که هند در این محیط در پی ایجاد موازنه در برابر قدرت‌های دیگر و جلوگیری از تضييع منافع خویش به‌وسیله آنان است. در دایره سوم که کل جهان را در برمی‌گیرد، هند در پی به دست آوردن جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش مهمی در صلح و امنیت بین‌المللی است. بر اساس راهبرد کلان هند، این کشور هدف‌های خویش را در محیط منطقه‌ای، از راه رشد همگرایی منطقه‌ای و افزایش حضور خود در این منطقه پیگیری می‌کند. حضور هند در سازمان همکاری شانگهای و منطقه آسیای مرکزی در این زمینه قابل‌بررسی است (توحیدی، ۱۳۹۰: ۲۶۹-۲۶۸). از نظر بیشتر تحلیل‌گران امنیت انرژی، ثبات منطقه‌ای (مبارزه با توسعه افراط‌گرایی و تروریسم)، ارتباط با آمریکا و حفظ تعادل و توازن با دو همسایه نزدیک، چین و پاکستان از علایق ژئوپلیتیکی هند در منطقه دریای خزر به‌ویژه در آسیای مرکزی است (کولایی و ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

مقام‌های هندی تلاش می‌کنند تا از ظرفیت سازمان همکاری شانگهای - ضمن تأمین امنیت انرژی خود- و بازارهای سرمایه‌گذاری و تجاری این منطقه برای فروش محصولات و کالاهای هندی مانند چای، دارو و مواد شیمیایی و غیره بهره‌برداری کنند. سازمان همکاری شانگهای با جمعیتی افزون بر دو میلیارد نفر، امکان فروش خوبی را برای کالاهای هندی فراهم می‌سازد. این کشور از راه عضویت در این سازمان می‌تواند به این امکان اقتصادی دست یابد (آقایی و طاهری، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

موقعیت استراتژیک، منابع انرژی، رقابت برای تعیین خطوط انتقال انرژی و حضور مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی کافی است تا بسیاری از تحلیل‌گران را متقاعد کند که بازی بزرگ جدیدی در منطقه آسیای مرکزی شروع شده است و کشوری مانند هند (با استفاده از اهرم سازمان همکاری شانگهای) نیز نمی‌خواهد از این مجموعه جا بماند (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

در پی فروپاشی شوروی، کشور هند روابط سیاسی و بازرگانی خود را با جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته تعریف نمود. تجارت با شبه‌قاره و فعالیت‌های تجاری هند، روابط اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی را متنوع ساخت. طی دهه اول بعد از فروپاشی، فعالیت هند در منطقه آسیای مرکزی درخور توجه بود. با این وجود به نظر می‌رسد اساس مناسبات هند با منطقه آسیای مرکزی بر اساس مناسبات دهلی‌نو با اسلام‌آباد تنظیم گردیده است. هند تلاش دارد تا با ایجاد پیوند با منطقه آسیای مرکزی، عمق استراتژیک رقیب خود پاکستان را برهم بزند. از طرف دیگر، هند نیز همچون چین

The seat of great power
Regional actors

ناچار است که تأثیر مسلمانان منطقه را مورد توجه قرار دهد. یکی از دلایل تمایل هند برای احراز عضویت کامل در سازمان در راستای مقابله دهلی نو با سیاست خارجی پاکستان و جلوگیری از نزدیکی بیشتر پاکستان به اعضای سازمان به خصوص چین و روسیه قابل تبیین بود. با عضویت هند در سازمان از سال ۲۰۱۷ میلادی، اختلافات این کشور با چین تا حدی در سازمان نیز خود را نشان داده است. به عنوان نمونه علی‌رغم حمایت تمامی اعضای سازمان از ابتکار یک کمربند یک‌راه چین، هند تنها کشوری است که با این ابتکار مخالفت کرده است و این امر در بیانیه‌های پایانی نشست‌های سازمان نیز بازتاب یافته است. (مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۹: ۷۳-۷۴)

۱-۲-۲ انگیزه‌های هند برای حضور در سازمان همکاری‌های شانگهای

انگیزه‌های هند برای حضور در سازمان همکاری‌های شانگهای را به طور مشخص می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ۱- آسیای میانه به مثابه یک منطقه هم‌جوار راهبردی برای هند (همکاری با چین در بخش انرژی)؛
- ۲- تأمین ثبات در افغانستان؛
- ۳- اطلاعات و فعالیت‌های ضد تروریستی بدون محوریت پاکستان؛
- ۴- تقویت جایگاه خود به عنوان یک بازیگر قدرتمند آسیایی؛
- ۵- باز گذاشتن تمامی گزینه‌ها به لحاظ همکاری‌های بین‌المللی (Atai and zangeneh, 2020).

۳-۲ الگوی کنشی روسیه در سازمان همکاری‌های شانگهای

در نگاه و تحلیل رفتاری روسیه نظریه واقع‌گرایانه یا نوواقع‌گرایانه گذر قدرت که رایج‌ترین نظریه روابط بین‌المللی جهت تحلیل رفتار روسیه در رویکرد نسخه بدیل نظریه گذر قدرت معتقد است که روسیه معاصر قدرتی معطوف به حفظ وضع موجود است نه تجدیدنظرطلب. به گفته این گروه حتی سیاست‌های مسکو در قبال اوکراین در اصل با جهت‌گیری مستمر روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی همخوانی دارد. منافع روسیه که این جهت‌گیری را هدایت می‌کند، حفظ نفوذ روسیه در کشورهای پسا شوروی و ممانعت از گسترش ناتو به سمت شرق است. مکتب فرعی نظریه گذار قدرت اعتقاد دارد که مسکو ترجیح می‌دهد که وضع موجود را نه فقط در اروپا بلکه در جهان حفظ کند. مصادیق آن این ترجیحات است (سرگونین، ۱۳۹۷: ۵۹). کرملین در قبال اجرای اصلاحات جدی

در سازمان ملل به نسبت بی‌میل است. هر اصلاحی در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد. در حالی که روسیه ممکن است شورای امنیتی گسترش‌یافته را به نفع خود ببیند ولی قدرت و توی آن را قابل مذاکره نمی‌بیند. سایر پنج عضو دائم از قبیل بریتانیا و فرانسه به احتمال زیاد طرفدار وضع موجود هستند. موضع روسیه در منازعه اوکراین و عزم روسیه از به نمایش گذاشتن قدرت سیاسی و نظامی شامل مورد سوریه، محرک‌های بیشتری برای نظریه‌پردازان بین‌الملل فراهم آورد تا برای مطالعه رفتار بین‌الملل مسکو از رویکردهای تحلیلی مختلفی استفاده کنند. از نظر برخی محققان (نو واقع‌گرا) این امر به‌واقع نشانه‌ای از منازعه مسکو برای (کسب) قدرت و امنیت در آنارشی بین‌الملل است. اما از نظر دیگران (سازه‌انگاری و پس‌اساختارگرایان) چرخش جسورانه در سیاست خارجه روسیه بیشتر به هویت و سیاست داخلی مربوط می‌شود. بر اساس این دیدگاه رفتار فعلی روسیه در اصل برگرفته از واهمه از دست دادن جایگاه قدرت بزرگ است (سرگونین، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۰).

۱-۳-۲ اولویت‌های منطقه‌ای روسیه و نگرش به سازمان همکاری شانگهای

مفهومی در ادبیات سیاست خارجی روسیه وجود دارد که به «اوراسیاگرایی» موسوم بوده و در دو سده اخیر بسیار مورد بحث قرار گرفته است. این مفهوم به‌ضرورت اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن میان غرب و شرق اشاره دارد و در مقابل مفاهیم «آتلانتیک‌گرایی»، «شرق‌گرایی» و «اسلاو‌گرایی» بیشتر برای تعدیل آن‌ها مطرح می‌شود (کرمی، ۱۳۸۷، ۷۷). آسیای مرکزی بخشی از این منطقه است که از نظر استراتژیک حوزه امنیتی روسیه شمرده می‌شود و حضور قدرت‌های بیگانه در آن خواه‌ناخواه بر امنیت روسیه تأثیرگذار است (دیلمی معزی، ۱۳۸۷، ۶۶). در واقع در فضای ژئوپلیتیک روسیه، آسیای مرکزی، قفقاز و شرق اروپا به دلایل اقتصادی، مرز مشترک، ملاحظات امنیتی و روابط تنگاتنگ اجتماعی و فرهنگی «خارج نزدیک» به حساب می‌آیند؛ و از لحاظ منطقه‌ای، اولویت اصلی سیاست خارجی روسیه را تشکیل می‌دهند، به طوری که نوع نگاه روسیه به این مناطق باعث خلق مفهوم جدیدی در سیاست امنیتی روسیه به نام آیین «مونروئه روسی» شده است. بر اساس این مفهوم، روسیه نه تنها دیگران را از دخالت در این مناطق باز می‌دارد، بلکه حق مداخله را برای خود در جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته بر اساس منافع ویژه خود محفوظ می‌دارد (احمدیان و غلامی، ۱۳۸۸: ۹).

روسیه با حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت خود را تأمین کند، دوم منافع سیاسی و اقتصادی خود را تضمین نماید، سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آنها، در مواقع لازم از ابزار انرژی به عنوان یک اهرم علیه دولت‌های غربی استفاده کند و مهم‌تر از همه این‌که با حفظ مناطق اطراف خود از نفوذ رقبا به خودسازی از درون پردازد و زمینه را برای احیای قدرت گذشته فراهم آورد. به همین دلیل در سند سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۰۰ تدوین شد و نسخه جدید آن توسط دولت مدودف نگارش یافته است، بزرگ‌ترین تهدیدها و فرصت‌های این کشور از جانب مناطق غربی است، که از جمهوری‌های بالتیک تا مرزهای جنوب غربی یعنی از روسیه سفید، اوکراین، مولداوی تا دریای سیاه، قفقاز و دریای خزر امتداد دارد (Kern at el., 2020). علاوه بر این روس‌ها پس از واگذاری اروپای شرقی و سایر حوزه‌های ژئواستراتژیک، حفظ آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان تنها حوزه نفوذ و حیاط‌خلوت خود اصرار دارند روسیه برای به دست آوردن و تقویت و تثبیت موقعیت در حوزه‌های اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی از سازمان‌های منطقه‌ای مانند کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، مجمع اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و پیمان امنیت جمعی استفاده می‌کند. در واقع، این کشور سازمان‌های منطقه‌ای را بر اساس اولویت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیک خود طراحی می‌کند. از سوی دیگر، در سند دکترین سیاست خارجی روسیه، کشورهای خاورمیانه (که ایران یکی از آنهاست) جزء کشورهایی هستند که روسیه برای تأمین اهداف اعتباری و اقتصادی خود با آنها تعامل دارد. (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷).

۲-۳-۲ انگیزه‌های روسیه از توجه به سازمان همکاری شانگهای

اگرچه لزوم تعامل مستمر جهت حل و فصل اختلافات ارزی و قومی بین جمهوری خلق چین و جمهوری‌های استقلال‌یافته آسیای مرکزی هم‌جوار با این کشور، سنگ بنای ایجاد سازمان همکاری‌های شانگهای را فراهم نمود، اما در حقیقت رونق فعالیت‌های این سازمان را باید در راستای توسعه‌طلبی‌های ایالات متحده در آسیای مرکزی جستجو نمود. چین نیز همانند روسیه از گسترش حضور استراتژیک آمریکا در آسیای مرکزی نگران بود و لذا این نگرانی و دغدغه مشترک محرک جدید و عملیاتی به سازمان مذکور اعطا نمود. به عقیده تحلیل‌گران سیاسی منطقه، احساس نگرانی و ترس مشترک کشورهای روسیه و چین از اقدامات جدید آمریکا به‌ویژه در منطقه آسیای مرکزی این دو کشور را به یکدیگر نزدیک ساخته است. همچنین موافقت

این دو کشور با پذیرش جمهوری اسلامی ایران، هند و پاکستان به عنوان اعضای ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای چشم‌انداز آغاز بازی بزرگ جدیدی را در این منطقه ترسیم می‌نماید که می‌تواند دامنه آن را از سطح منطقه فراتر برده و به عرصه جهانی گسترش دهد. هرچند این بازی بزرگ با پیامدها و مشکلات خاص خود روبرو بوده و تبعاتی را برای هر یک از طرفین به همراه خواهد داشت (خادمی، ۱۳۸۴، ۲۳).

- تمرکز بر حفظ منافع ممتاز خود (بعد منطقه‌ای) - حفظ پیوندهای محکم سیاسی-امنیتی با کشورهای استقلال‌یافته پس از فروپاشی شوروی - تقویت همکاری‌های اقتصادی با کشورهای استقلال‌یافته پس از فروپاشی شوروی تحت رهبری روسیه - ایجاد موازنه در برابر چین و نفوذ سایر رقبای بین‌المللی در منطقه - بازسازی وجهه و اقتدار بین‌المللی روسیه (بعد منطقه‌ای) - تقویت یک نظم جهانی چندقطبی و ایجاد یک قطب با محوریت روسیه سازمان همکاری‌های شانگهای برای روسیه مدل تازه‌ای از همکاری موفقیت‌آمیز در عرصه بین‌المللی و «یک بدیل عملی برای آشتی ماهوی با غرب» به شمار می‌آید (مادوز، ۱۳۹۷: ۱۹).

۳-۲-۳ اهداف روسیه در پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای

اهداف مهم روسیه برای پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای عبارتند از:

- ۱- تلاش برای کاهش مؤثر نفوذ غرب به‌ویژه امریکا و ناتو در آسیای مرکزی که تهدیدی استراتژیک برای روسیه محسوب می‌شود؛
- ۲- تلاش برای ایجاد جهان چندقطبی از طریق فراهم آوردن وضعیتی برابر با سایر قدرت‌های بزرگ با احتساب توان چین در سازمان؛
- ۳- تقویت وجهه و پرستیژ بین‌المللی خود؛
- ۴- تعادل در فعالیت‌های غرب گرایانه و شرق گرایانه روسیه؛
- ۵- تقویت یکی از آسیب‌پذیرترین محیط‌های پیرامونی و امنیتی خود در شرق دور و آسیای میانه؛
- ۶- کمک در رسیدن به سیاست وحدت و داشتن دست برتر در کشورهای آسیای مرکزی؛
- ۷- ایجاد محیط امن پیرامونی جهت تمرکز بیشتر بر اصلاحات و توسعه اقتصادی؛
- ۸- جلب بیشتر همکاری‌های اقتصادی و تجاری آسیای مرکزی؛
- ۹- مقابله با افراطی‌گری مذهبی، جدایی‌طلبی و تروریسم بین‌المللی؛

- ۱۰- بحث گسترش ناتو به شرق؛
- ۱۱- روابط آمریکا و روسیه و انتقاد کشورهای غربی به وضعیت حقوق بشر در آن کشور؛
- ۱۲- کسب درجه بیشتری از استقلال از طریق خنثی کردن نفوذ منفی چین و روسیه با یکدیگر؛
- ۱۳- کسب پرستیژ بین‌المللی از طریق حضور در نهادهای چندجانبه بدون نیاز به تن دادن به پیش شرط‌های سیاسی و حقوق بشری؛
- ۱۴- تقویت روند دولت سازی و ثبات سازی داخلی؛
- ۱۵- ضمانت صلح و ثبات منطقه‌ای؛
- ۱۶- استفاده از امکانات اقتصادی و تجاری چین به‌ویژه در بخش انرژی؛
- ۱۷- گشایش مسیر چین برای ترانزیت دوسویه کالا؛
- ۱۹- نیاز به محیط امن بین‌المللی جهت تمرکز بیشتر برای رفع مشکلات اقتصادی و ادامه اصلاحات (مختاری، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

۲-۴ الگوی کنشی پاکستان در سازمان همکاری‌های شانگهای

از آنجا که پاکستان عضو فعال و تأثیرگذار در سازمان همکاری‌های شانگهای است، الگوی کنشی آن در سازمان شامل موارد زیر است:

- ۱- همکاری‌های امنیتی: پاکستان به عنوان یک کشور با نیروهای نظامی قدرتمند، دارای نقش مهمی در کاهش تهدیدات امنیتی است. پاکستان با ارائه اطلاعات امنیتی و همکاری با سایر کشورهای عضو در مبارزه با تروریسم، جرایم سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر، سهم مهمی را در حفظ امنیت منطقه دارد.
- ۲- همکاری‌های اقتصادی: پاکستان به عنوان یکی از کشورهای عضو با اقتصاد قابل توجه، برای ارتقای همکاری اقتصادی در سازمان همکاری‌های شانگهای تلاش می‌کند. این شامل تسهیل تجارت بین کشورهای عضو، تبادل فناوری و دانش، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تسهیم تجارب در بخش‌های اقتصادی است.
- ۳- همکاری‌های سیاسی: پاکستان با مشارکت در جلسات و نشست‌های سیاسی از جمله اجلاس‌های رهبران سازمان همکاری‌های شانگهای، در صلح و استقرار منطقه اقدامات موثری انجام

می‌دهد. همچنین، در مقابله با مسائل بین‌المللی و ایجاد توافق و تعهدات بین کشورهای عضو نقش مهمی ایفا می‌کند.

۴- همکاری‌های فرهنگی: پاکستان به عنوان یک کشور با تاریخ و فرهنگ غنی، تلاش می‌کند آثار فرهنگی و تاریخی خود را با کشورهای عضو سازمان به اشتراک بگذارد. این شامل ارائه نمایشگاه‌های فرهنگی و سفرهای هنری است که به تقویت روابط فرهنگی و افزایش تفاهات میان کشورهای عضو کمک می‌کند (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۵-۱۶۰).

بطور کلی، الگوی کنشی پاکستان در سازمان همکاری‌های شانگهای بر اساس تعهدات چندجانبه و تمایل به همکاری در امور امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استوار است و تلاش می‌کند تا به وفور از امکانات و منابع خود در راستای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای استفاده کند.

۱-۴-۲- علل اصلی علاقه اسلام‌آباد به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای

بخشی از علل اصلی پاکستان برای عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای عبارتند از:

۱- عدم اعتماد به هند: پاکستان و هند از زمان استقلال آن کشور در سال ۱۹۴۷ تا به حال سه بار باهم جنگیده‌اند. عضویت در سازمان می‌تواند از یک طرف در جهت تحکیم روابط با چین و روسیه به عنوان دو قدرت مطرح منطقه و از طرف دیگر تلاش اسلام‌آباد برای منزوی ساختن دهلی نو در منطقه مدنظر قرار گیرد.

۲- اسلام‌آباد با این عمل می‌خواهد تا همکاری اعضای این گروه را به خود جلب کند و با کشورهای همسایه خود روابط نزدیکی ایجاد کند.

۳- با افزایش تعاملات منطقه، اعتبار بین‌المللی پاکستان را ارتقاء بخشد.

۴- چین حرکتی می‌تواند به عنوان علامتی برای تعدیل سیاست‌های پاکستان در قبال آمریکا و کشورهای غربی و نزدیک‌تر شدن بیشتر به شرق تعبیر گردد (مرکز مطالعات سیاسی و روابط بین‌المللی، ۱۳۹۹: ۷۵-۷۴).

۲-۴-۲- انگیزه‌های پاکستان از پیوستن به سازمان همکاری شانگهای

بخشی از انگیزه‌های پاکستان برای پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای عبارتند از:

۱- اجتناب از انزوای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۲- ایجاد گزینه‌های بیشتر در حوزه سیاست خارجی؛

۳- تداوم و تعمیق همکاری مستحکم با چین؛

۴- ورود به عرصه تعاملات قابل توجه اقتصادی و امنیتی (با ظرفیت بالقوه جذب سرمایه‌گذاری‌ها و شرکای تجاری جدید)؛

۵- ارتباط مجدد با آسیای میانه به‌عنوان منطقه‌ای محصور در خشکی که پاکستان می‌خواهد نقش یک پل ارتباطی را برای آن بازی کند (مادوز، ۱۳۹۷: ۲۷-۲۸).

۵-۲ الگوی کنشی کشورهای آسیای مرکزی در سازمان همکاری‌های شانگهای

الگوی کنشی کشورهای آسیای مرکزی در سازمان همکاری‌های شانگهای بر اساس اهداف و اصول این سازمان استوار است. این الگو بر اساس روحیه تعاون، احترام متقابل و نظام بین‌المللی قائم بر قوانین است و شامل موارد زیر است:

۱- تحقق صلح و ثبات منطقه‌ای: کشورهای آسیای مرکزی در فرایند ایجاد توافقاتی ضمنی و مشترک برای حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای در این منطقه نقش مهمی دارند. آنها از طریق تقویت همکاری‌های امنیتی و دیپلماسی نرم، تلاش می‌کنند تا تهدیدات امنیتی را بهبود بخشند و مناطق بلایایی را از بین ببرند.

۲- توسعه اقتصادی و تجاری: کشورهای آسیای مرکزی با ترکیبی از منابع طبیعی، قرارگیری جغرافیایی و امکانات بازار بزرگ، تلاش می‌کنند تا روند توسعه اقتصادی و تجاری در منطقه را تسریع کنند. آنها از طریق ایجاد تسهیلات و تسهیلات تجاری مشترک، حذف موانع تجاری و ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل توسط کسب و کارها، در تلاشند تا رشد اقتصادی و کاهش فقر را تحقق بخشند (Kulintsev, 2020).

۳- تقویت همکاری فرهنگی و تبادلات مردمی: کشورهای آسیای مرکزی با تشویق تبادل‌های فرهنگی و مردمی بین کشورها، دوستی و همکاری را ترویج می‌کنند. آنها به منظور تقویت تفاهم و احترام متقابل بین مردمان مختلف، همایشات، نمایشگاه‌ها، توافقات آموزشی و تبادل دانش را برگزار می‌کنند.

۴- حفاظت از محیط زیست: کشورهای آسیای مرکزی توجه ویژه‌ای به حفاظت از محیط زیست منطقه‌ای می‌کنند. آنها با ایجاد توافقات مشترک در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و کاهش تأثیرات تغییرات اقلیمی، به حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی در منطقه کمک کنند (Agostinis and urdeniz, 2022).

بنابراین، الگوی کنشی کشورهای آسیای مرکزی در سازمان همکاری‌های شانگهای بر اساس همکاری و تعاون در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیست استوار است. این الگو باعث ارزشمند شمردن صلح، ثبات و توسعه منطقه‌ای در آسیای مرکزی می‌شود.

۱-۵-۲ انگیزه کشورهای آسیای مرکزی از توجه به سازمان همکاری‌های شانگهای

کشورهای آسیای مرکزی انگیزه‌های متعددی برای توجه به سازمان همکاری‌های شانگهای دارند که این موارد عبارتند از:

۱- امنیت منطقه‌ای: کشورهای آسیای مرکزی برای مدت طولانی با نگرانی‌های امنیتی از جمله تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی دست و پنجه نرم کرده‌اند. سازمان همکاری‌های شانگهای بستری برای همکاری و هماهنگی بین کشورهای عضو برای رسیدگی به این چالش‌های امنیتی مشترک فراهم می‌کند. هدف کشورهای آسیای مرکزی با مشارکت فعال در سازمان همکاری‌های شانگهای افزایش امنیت و ثبات خود است.

۲- همکاری اقتصادی: سازمان همکاری‌های شانگهای یکپارچگی اقتصادی و تسهیل تجارت بین کشورهای عضو را ترویج می‌کند. کشورهای آسیای مرکزی، سازمان همکاری‌های شانگهای را فرصتی برای افزایش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، جذب سرمایه‌گذاری و ارتقای تجارت و اتصال در منطقه می‌دانند. این امر به ویژه برای کشورهای محصور در خشکی مانند قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان قابل توجه است (کوزه‌گر، ۱۳۹۰: ۶۹).

۳- همکاری انرژی: آسیای مرکزی از نظر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و مواد معدنی غنی است. سازمان همکاری‌های شانگهای همکاری انرژی بین کشورهای عضو، از جمله سرمایه‌گذاری مشترک در زیرساخت‌های انرژی، اکتشاف و پروژه‌های حمل و نقل را تسهیل کند. کشورهای آسیای مرکزی، سازمان همکاری‌های شانگهای را به عنوان بستری برای تقویت همکاری‌های انرژی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تنوع بخشیدن به مسیرهای صادرات انرژی خود می‌دانند.

۴- توسعه زیرساخت: سازمان همکاری‌های شانگهای پروژه‌های توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای مانند شبکه‌های حمل و نقل، سیستم‌های ارتباطی و خطوط لوله انرژی را ترویج می‌کند. کشورهای آسیای مرکزی مزایای بالقوه چنین پروژه‌هایی را در بهبود ارتباط منطقه‌ای، تقویت تجارت و تقویت

توسعه اقتصادی خود می‌شناسند. این کشورها با مشارکت فعال در سازمان همکاری شانگهای به دنبال فرصت‌هایی برای توسعه زیرساخت‌ها و اتصال هستند.

۵- اهرم دیپلماتیک: سازمان همکاری شانگهای به کشورهای آسیای مرکزی بستری را برای تعامل با قدرت‌های بزرگ منطقه ای به ویژه چین و روسیه فراهم می‌کند. این کشورها با مشارکت فعال در این سازمان می‌توانند روابط دیپلماتیک خود را با این کشورهای تأثیرگذار تقویت کنند و از حمایت آنها در مسائل و اولویت‌های منطقه ای استفاده کنند (کوزه‌گر، ۱۳۹۰: ۷۲-۸۰).

به طور کلی، کشورهای آسیای مرکزی به دلیل پتانسیل آن برای ارتقای امنیت منطقه ای، ارتقای همکاری اقتصادی، تسهیل پروژه‌های انرژی، حمایت از توسعه زیرساخت‌ها و ارائه اهرم دیپلماتیک، انگیزه دارند تا به سازمان همکاری شانگهای توجه کنند. آنها سازمان همکاری شانگهای را بستری برای رسیدگی به چالش‌های مشترک، پیگیری منافع اقتصادی و تقویت موقعیت منطقه ای خود می‌دانند.

۶-۲ آمریکا و الگوی همکاری در سازمان همکاری‌های شانگهای

در حالی که ایالات متحده عضو سازمان همکاری شانگهای نیست، اما تعاملاتی با این سازمان داشته است. در ابتدا، ایالات متحده در سازمان همکاری شانگهای دارای وضعیت ناظر بود و در برخی از جلسات به عنوان ناظر شرکت می‌کرد. با این حال، وضعیت ناظر آن در سال ۲۰۰۶ در پاسخ به عملیات نظامی به رهبری ایالات متحده در افغانستان و حمایت آن از "انقلاب‌های رنگی" در کشورهای پس از شوروی به حالت تعلیق درآمد (Chao, 2022).

از آن زمان، ایالات متحده تعامل محدودی با سازمان همکاری شانگهای، عمدتاً از طریق تعاملات دوجانبه با کشورهای عضو، حفظ کرده است. به عنوان مثال، ایالات متحده با برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، مانند قزاقستان و ازبکستان، در تلاش‌های ضد تروریسم همکاری کرده و از پروژه‌های توسعه اقتصادی آنها حمایت کرده است. علاوه بر این، ایالات متحده به دنبال تعامل با سازمان همکاری شانگهای در زمینه‌های مشترک نگرانی مانند افغانستان بوده است. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی بین اهداف و اولویت‌های ایالات متحده و سازمان همکاری شانگهای وجود دارد. سازمان همکاری شانگهای در درجه اول بر امنیت منطقه‌ای و همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو متمرکز است، در حالی که ایالات متحده برنامه جهانی گسترده تری دارد و منافع استراتژیک دارد. علاوه بر این، سازمان همکاری شانگهای توسط برخی به عنوان موازنه ای برای نفوذ

ایالات متحده در منطقه، به ویژه در آسیای مرکزی، جایی که سازمان همکاری شانگهای به دنبال محدود کردن مداخلات خارجی بوده است، دیده می‌شود (Ba, 2020).

به طور کلی، در حالی که ایالات متحده تا حدی با سازمان همکاری شانگهای همکاری داشته است، همکاری و روابط آن در مقایسه با کشورهای عضو سازمان محدود است. اولویت‌ها و منافع استراتژیک متفاوت ایالات متحده و سازمان همکاری شانگهای مانع همکاری نزدیکتر بین آنها شده است. همانطور که ایالات متحده در مرحله انتقالی خود حرکت می‌کند، نمی‌تواند اهمیت نقش سازمان همکاری شانگهای را نادیده بگیرد. سازمان همکاری شانگهای باید رویکردی عملگرایانه اتخاذ کند که منافع و آرزوهای اعضای خود را به رسمیت بشناسد. تعامل با سازمان همکاری شانگهای و اعضای آن می‌تواند منجر به همکاری مثمر ثمر در موضوعات مورد علاقه دوجانبه مانند مبارزه با تروریسم، ثبات منطقه ای و همکاری اقتصادی شود. نادیده گرفتن یا منزوی کردن سازمان همکاری شانگهای ممکن است منافع آمریکا را تضعیف کند و اعضای آن را بیشتر به آغوش چین و روسیه سوق دهد (Belic and Miklosi, 2023).

در نهایت، نقش اعضای سازمان همکاری شانگهای در دوران انتقالی آمریکا پتانسیل بسیار زیادی برای تغییر نظم جهانی دارد. برای ایالات متحده ضروری است که این واقعیت را بشناسد و با آن تعامل کند، روابط سازنده با سازمان همکاری شانگهای را تقویت کند و از فرصت‌های همکاری استفاده کند. دوره انتقالی فرصتی را برای ایالات متحده فراهم می‌کند تا اولویت‌های خود را دوباره تنظیم کند و مسیر جدیدی را در روابط بین‌الملل ایجاد کند.

نتیجه گیری

سازمان شانگهای، متشکل از کشورهای عضو از جمله چین، روسیه و چندین کشور آسیای مرکزی، از نزدیک پویایی در حال تغییر در ایالات متحده و تأثیر آن بر نظم جهانی را مشاهده کرده است. این مقاله تأکید می‌کند که اعضای سازمان شانگهای به طور فعال استراتژی‌ها و اقدامات خود را در پاسخ به پویایی قدرت در حال تغییر در ایالات متحده تطبیق داده‌اند. از آنجایی که نظم آمریکا در حال گذار و انتقال قدرت است، این اعضا فرصت‌ها و چالش‌هایی را در بازتعریف نقش‌ها و منافع خود می‌بینند.

چین، به عنوان یک بازیگر اصلی در سازمان شانگهای، به‌ویژه به تحکیم موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت جهانی علاقه داشته است. با ابهامات پیرامون موضع دولت جدید ایالات متحده در قبال اتحادیه‌های بین‌المللی و توافقات تجاری، چین از فرصت استفاده کرده است تا نفوذ اقتصادی خود را تقویت کرده و مشارکت‌های منطقه‌ای خود را گسترش دهد. این امر از طریق ابتکاراتی مانند طرح کمربند و جاده و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای مشهود است.

روسیه، یکی دیگر از اعضای کلیدی سازمان شانگهای، نیز در بحبوحه تغییر نظم آمریکا به صورت استراتژیک مانور داده است. از آنجایی که روابطش با ایالات متحده در طول سال‌ها بدتر شده است، روسیه به دنبال روابط نزدیک‌تر با چین و سایر کشورهای عضو بوده است. این کشور به طور فعال همکاری نظامی و اتحادیه‌های امنیتی منطقه‌ای را در چارچوب سازمان شانگهای با هدف حفاظت از منافع خود و اعمال نفوذ خود در عرصه جهانی دنبال کرده است.

از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی در جهت‌گیری نظم در حال تحول آمریکا محتاطانه عمل کرده‌اند. این کشورها که اغلب برای حمایت‌های امنیتی و اقتصادی به ایالات متحده متکی هستند، در تلاش بوده‌اند تا تعادل ظریفی را بین روابط خود با ایالات متحده و تعامل خود با سازمان شانگهای حفظ کنند. آنها به دنبال تنوع بخشیدن به شراکت‌های خود برای کاهش خطرات مربوط به انتقال ایالات متحده و همچنین فرصت‌هایی برای توسعه و همکاری با چین و روسیه هستند.

به طور خلاصه، اعضای سازمان شانگهای در انطباق مدل اقدام خود در چارچوب نظم آمریکا در انتقال و انتقال قدرت فعال بوده‌اند. چین از این فرصت برای افزایش نفوذ جهانی خود استفاده کرده است، در حالی که روسیه به دنبال روابط نزدیک‌تر با متحدان منطقه‌ای خود است. هدف کشورهای آسیای مرکزی ایجاد تعادل بین اتکای خود به ایالات متحده و تعامل با سازمان شانگهای است. به طور کلی، این اقدامات نشان‌دهنده قصد اعضا برای شکل دادن به نظم جهانی در حال تحول به نفع خود است.

فهرست منابع

- احمدیان، قدرت اله؛ غلامی، طهمورث (۱۳۸۸). آسیای مرکزی و قفقاز، عرصه تعارض منافع روسیه و غرب، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲(۱)، ۲۰-۱.
- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز؛ علی پور، حسین (۱۴۰۱). فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای مرکزی، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۲۱)، ۲۷-۵۸.
- اعظمی، هادی؛ زرقانی، سید هادی؛ دبیری، علی اکبر (۱۳۹۱). تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای (نمونه موردی: سازمان همکاری‌های شانگهای). پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱(۱): ۲۵-۲.
- بازگرد، محمدتقی، حافظ نیا، محمدرضا، موسوی شفیعی، سیدم سعود، و کولایی، الهه (۱۳۹۸). عوامل ژئوپلیتیکی منازعه میان قدرت‌های بزرگ در دوره پساجنگ سرد. تحقیقات جغرافیایی، ۳۴(۱۳۴)، ۴۷۱-۴۸۲.
- بزرگی، وحید؛ حسینی، میرعبداله (۱۳۸۹). سازمان همکاری‌های شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۳(۷)، ۲۷-۱.
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۶). سیاست دفاعی چین: موضوعات و تحلیل‌ها. راهبرد دفاعی، ۵(۱۷)، ۵۱-۸۰. جهمیان، یانگ (۱۳۸۶). ظهور منطقه‌گرایی آسیایی و تحول در نظام بین‌الملل (اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علمی چین)، ترجمه بدر الزمان شهبازی، ناشر: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ اول.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ الوند، مرضیه سادات (۱۳۸۷). ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۳(۲)، ۱۶۳-۱۴۹.
- خادمی، غلامرضا (۱۳۸۴). سازمان همکاری‌های شانگهای در برابر ناتو، خلاصه مقالات سیزدهمین سمینار بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز.
- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: روندها و تحولات، فرصت‌ها و چالش‌های پس از توافق هسته‌ای، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۸۷). آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست جهانی، تعامل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۳(۵ و ۶): ۶۲-۷۳.
- رئیس‌سی نژاد، آرش؛ برنجی، نسیم (۱۴۰۱). مدل منطقه‌گرایی سازمان همکاری‌های شانگهای. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۱)، ۱۰۱-۱۲۶.

- سأهای، راتنا؛ کارلوس، وگ (۱۳۸۰). دلاری شدن اقتصاد کشورهای در حال گذار. مجله اقتصادی، (۲)۲، ۲۶-۳۰.
- سرگونین، الکساندر (۱۳۹۷). تشریح رفتار سیاست خارجی روسیه: نظریه و عمل، مترجم: هدایتی شهیدانی، مهدی و خاوری نژاد، سعید، ناشر: دانشگاه گیلان، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمد؛ بهرامی، زهرا (۱۳۹۷). تداوم دوران گذار در نظام بین‌الملل. سیاست خارجی، (۲)۳۲، ۳۹-۷۰.
- عبداللهی، محسن (۱۳۹۷). چالش‌های اساسی در گذار از نظم نوین جهانی: فرا یک جانبه‌گرایی و ظهور چین در نقش قدرت جدید، روابط خارجی، (۳۹)۱۰، ۱۸۳-۲۰۲.
- علی زاده اقدم، محمدباقر؛ عباس زاده، محمد؛ آقایی هیر، توکل؛ قاسم زاده، داود (۱۳۹۷). فهم گذار از قدرت آفرینی دانش به قدرت آفرینی اشتراک دانش (یک روش کیفی). کتابداری و اطلاع‌رسانی، (۸۲)۲۱، ۷۹-۱۰۶.
- فاخری، مهدی (۱۴۰۰). تأثیر ترتیبات منطقه‌ای بر سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی، مطالعات اوراسیای مرکزی، (۱)۱۴، ۲۵۱-۲۷۴.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۷). گذار در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده - آشوبی: ایران. پژوهش‌های راهبردی سیاست، (۲۴)۷، ۱۵۷-۱۹۰.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱). رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدیدنظرطلب در گذار چرخه سیستمی قدرت. روابط خارجی، (۱۶)۴، ۷-۳۴.
- کردی کلاک، مهدی؛ حیدرپور، ماشالله؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۰). بررسی تقابل ناتو و پیمان شانگهای در خلیج فارس. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، (۴۶)۱۲، ۳۷۵-۳۹۳.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹). روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها. مطالعات اوراسیای مرکزی، (۶)۳، ۱۱۱-۱۳۶.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۰). کوششی در جهت تبیین نظری سازمان همکاری شانگهای، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، ۳۰، ۶۱-۹۰.
- کولایی، الهه؛ ایمانی، مسعود (۱۳۹۳). سیاست انرژی هند در منطقه دریای خزر؛ مرور انتقادی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، (۲)۱، ۱۱۳-۱۳۶.
- کولایی، الهه؛ تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۹). مطالعات تطبیقی رهیافت امنیت انرژی چین و ژاپن در آسیای مرکزی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، (۷۱)۳، ۱۴۰-۱۲۳.

- کوهن، تئودور اچ (۱۳۹۷). اقتصاد سیاسی جهانی نظریه و کاربرد، ترجمه عادل پیغامی، ترانه ریسمانچیان، محمد ریسمانچیان، تهران: دانشگاه امام صادق و مرکز مطالعات جهانی شدن.
- گیلپین، رابرت (۱۹۳۰). جنگ و تغییر در سیاست جهانی، ترجمه سجاد بهرامی مقدم. تهران: نشر مخاطب.
- مادوز. لیندا (۱۳۹۷). انعطاف آگاهانه: سازمان همکاری شانگهای و همکاری در حوزه اورا سیا. ناشر: مطالعات امنیتی، ترجمه مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۸۱-۹۷.
- مختاری، اسماعیل (۱۳۹۱). اهداف و چالش‌های سازمان همکاری شانگهای (SCO). تحقیقات علمی پایه و کاربردی، ۲(۹)، ۸۹۹۹-۹۰۰۵.
- مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۹۹). سازمان همکاری شانگهای. تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.
- مفتخری، علی؛ جعفری، محمد؛ ابونوری، اسمعیل؛ نادمی، یونس (۱۴۰۲). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرار مغزها در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO). مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰(۱)، ۱۵۳-۱۷۴.
- مهرکویی، حجت؛ باویر، حسن (۱۳۹۳). نقش سازمان‌های منطقه‌ای در کاهش چالش‌های منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، سازمان‌های بین‌المللی. ۷(۳)، ۱۵۹-۱۸۸.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۹۶). گذار توسعه‌ای در آسیای شرقی، سیاست، ۴۷(۴)، ۱۰۸۳-۱۰۶۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). دوران گذار، خشونت و امنیت عمومی، امنیت، ۴(۱۲-۱۱)، ۸-۹.
- Agostinis, G., & Urdinez, F. (2022). The nexus between authoritarian and environmental regionalism: an analysis of China's driving role in the Shanghai Cooperation Organization. *Problems of Post-Communism*, 69(4-5), 330-344.
- Atai, F., & Zangeneh, S. (2020). Evolution of Priorities in Shanghai Cooperation Organization since its Establishment up to 2019. *Central Eurasia Studies*, 13(1), 143-160.
- Ba, A. D. (2020). Multilateralism and East Asian transitions: the English School, diplomacy, and a networking regional order. *International Politics*, 57(2), 259-277.
- Belic, J., & Miklosi, Z. (2023). Cosmopolitanism and unipolarity: the theory of hegemonic transition. *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 26(2), 181-203.

- Chao, W. C. (2022). The political economy of China's rising role in the Shanghai Cooperation Organization (SCO): Leading with balance. *The Chinese Economy*, 55(4), 293-302.
- Feng, H., & He, K. (2020). *China's Challenges and International Order Transition: Beyond "Thucydides's Trap"*. University of Michigan Press.
- Gao, M. H. (2020). Frames and facilitators by China in promoting the Belt and Road Initiative (BRI). *Thunderbird International Business Review*, 62(2), 125-134.
- Kern, F., Sharp, H., & Hachmann, S. (2020). Governing the second deep transition towards a circular economy: How rules emerge, align and diffuse. *Environmental Innovation and Societal Transitions*, 37, 171-186.
- Kulintsev, Y. V. (2020). The Shanghai Cooperation Organization in the structure of the Greater Eurasian Partnership. *The Review of International Affairs*, 71(1180), 27-44.
- Li, K., Xiong, P., Wu, Y., & Dong, Y. (2022). Forecasting greenhouse gas emissions with the new information priority generalized accumulative grey model. *Science of the Total Environment*, 807, 150859.
- Liu, F., & He, K. (2023). China's Bilateral Relations, Order Transition, and the Indo-Pacific Dynamics. *China Review*, 23(1), 11-43.
- Newell, P. (2021). *Power shift: The global political economy of energy transitions*. Cambridge University Press.
- Wilson, P. H. (2020). Foreign military labour in Europe's transition to modernity. *European Review of History: Revue européenne d'histoire*, 27(1-2), 12-32.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی